

کومله و دموکرات در ضدیت با مردم ایران باهم رقابت داشتند

معرفی گروهک‌های جدایی طلب کردستان در جنگ تحمیلی در گفت‌وگوی «جوان» با یک نویسنده دفاع مقدس

علیرضا محمدی

رزمندگان حاضر در خطه کردستان به یاد دارند که در دوران دفاع مقدس، چندین گروه ضدانقلاب و جدایی طلب در این خطه از کشورمان فعالیت می کردند. امروز اگر چه اغلب مردم با دو حزب کومله و دموکرات ولو به اسم آشنایی دارند، اما گروهک‌های جدایی طلب صرفاً محدود به این دو گروه نمی شدند و هر کدام از اینها مخربی در اوایل انقلاب و خصوصاً دوران دفاع مقدس ایفا کردند. رضا رستمی که از محققان و نویسندگان حوزه دفاع مقدس (با تمرکز بر خطه کردستان) است در گفت‌وگو با ما به معرفی این گروهک‌ها می پردازد.

■ ■ ■

نام کومله در دفاع مقدس زیاد شنیده می شد. این روزها که سپاه مقر برخی از گروه‌های جدایی طلب را درهم کوید، با نام کومله را شنیدیم. ماهیت این گروه چیست؟

کومله بعد از پیروزی انقلاب تشکیل شد. در واقع همزمان با انقلاب اسلامی در ایران، یک تشکل دانشجویی کردی که گرایش ایدئولوژیک مائوئیسم داشت، تشکیل شد که معتقد بودند ابتدا کردستان و بعد کل ایران را می توانند از مارهزاره دهقانی تصرف کرد امرکز شکل گیری شان سندیج بود و نام اصلی این گروه در ابتدا زحمتکشان ایران بود که از سال ۱۳۶۰ به بعد به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد. گروه‌های چپ معمولاً مواضع ضدنامرئیکایی دارند، اما کومله بعد از شکل گیری نه در تئوری و نه در عرصه عمل هیچ موضعی در برابر امپریالیسم امریکا اتخاذ نکرد. مبارزه مسلحانه در منش این گروه جایگاه ویژه‌ای داشت. در واقع همیشه به دنبال پیشبرد کارشان با مبارزه مسلحانه بودند. بر همین اساس کومله‌ها، دشمنی سرسخت و خشونت طلب بودند که از ابتدای تشکیل شان برای نظام اسلامی و مردم منطقه مشکلات زیادی را ایجاد کردند. حتی رفیق کومله‌ها یعنی حزب توده حداقل در مقاطعی اعتقاد داشتند که جنگ در کردستان به نفع مردم نیست، بلکه به سود امپریالیسم است و گروه‌های مائوئیستی باید از ادامه آن صرف نظر کنند، اما کومله همواره روی مبارزه مسلحانه تأکید داشت و آن را دنبال می کرد. کومله‌ها در همان چند ماه اول تشکیل شان ۲۰ مردان ۱۳۵۸ راینیای‌های شدید صادر کردند که عمق سرسختی آنها نسبت به جمهوری اسلامی و دستور جنگ دراز مدت را نشان می دهد.

در کنار نام کومله و حتی فراتر از آن، نام دموکرات‌ها هم در تاریخ دفاع مقدس زیاد تکرار می شود، رابطه این دو حزب با هم چطور بود؟

حزب دموکرات خیلی قدیمی تر از کومله است و تشکیل رسمی اش را از دهه ۱۳۲۰ شمسی دارد. آنها انشعابی از حزب توده بودند. این دو حزب (کومله و دموکرات) بر پایه تفکرات شان تفاوت و اختلاف‌های ریشه‌ای با هم داشته، اما در برخی موارد اشتراک نظر هم داشتند؛ مثلاً این دو حزب تلاش می کردند همه اعضا و کادر تشکیلات شان چه نظامی و چه سیاسی از اکراد باشند؛ دوم اینکه حوزه فعالیت شان در همان مناطق کردنشین

باشد و بالاخره اینکه هر دو شعار خودمختاری کردستان را می دادند و بر خلاف حزب توده، دموکرات‌ها هم مثل کومله‌ها مبارزه مسلحانه را انتخاب کردند. (البته دموکرات‌ها گاهی به مذاکره نیز متمایل بودند) اوایل انقلاب هر دو گروه سعی در تصرف زمینی شهرها و مناطق کردستان داشتند، اما بعد که شکست خوردند، از سال ۱۳۶۰ پایگاه‌های شان را به داخل خاک عراق منتقل کردند. علاوه بر همکاری‌های مقطعی که با هم داشتند، در بسیاری از مواقع به شدت با هم درگیر می شدند. چنانچه علاوه بر جنگیدن با رزمندگان و نیروهای بومی انقلاب در کردستان، بارها با هم جنگیدند و طبق یک آمار تا سال ۱۳۶۵ حدود ۸۰۰ نفر از دو طرف بر اثر جنگ با یکدیگر کشته شدند. در طول دفاع مقدس دولت عراق از هر گروه یا حزب سیاسی که با جمهوری اسلامی ایران مخالف بود، پشتیبانی می کرد. بنابراین دو حزب کومله و دموکرات هم از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰ از حمایت جدی عراق برخوردار شدند. عراق به آن دو گروه قرار دارد. در خاک کردستان این کشور مرکزیت سیاسی و نظامی خود را مستقر کنند. آنها توانستند نیروهای کادرشان را در خاک عراق آموزش و سازماندهی کنند که متأسفانه الان هم برخی از این پایگاه‌ها همچنان در اختیار نیروهای این دو گروه قرار دارد. در قضایای اخیر هم شاهد بودیم که مسئولان کشورمان به این نکته اشاره داشتند و اعتراض‌های شان را به اقلیم کردستان عراق اعلام کردند.

در گفت‌وگوهای که با رزمندگان حاضر در خطه کردستان انجام می دهیم، گاهی اسم بعضی از گروه‌های جدایی طلب و ضدانقلاب مستقر در کردستان مثل زرگاری را می برند، گروه زرگاری دنبال چه اهدافی بود؟



اوایل انقلاب گروه‌های جدایی طلب قصد تصرف زمینی شهرها و مناطق کردستان را داشتند، اما بعد که از مردم روزمندها شکست خوردند، سال ۱۳۶۰ پایگاه‌های شان را به داخل خاک عراق منتقل کردند و کادرشان را آنجا آموزش و گسترش دادند

نبرد روزمندهگان با ضدانقلاب بسیار سخت و نفسگیر بود

زرگاری از سوی شیخ عثمان نقشبندی تأسیس شد و منابع مالی اش را هم او تأمین می کرد. شیخ عثمان نقشبندی رئیس روحانی فرقه صوفیان نقشبندیه در کردستان ایران و عراق بود. ابتدا در عراق زندگی می کرد و پس از کودتای عبدالکریم قاسم و آغاز درگیری کردها با دولت عراق به ایران پناهنده شد. شاه پهلوی با توجه به اختلاف‌هایی که با عراق داشت از شیخ استقبال کرد. شیخ عثمان رهبر یک تشکل مذهبی بود، بر همین اساس در عراق با احزاب کمونیستی مبارزه می کرد. گروه زرگاری قبل از پیروزی انقلاب اصلاً به فکر خودمختاری ملت کرد نبودند. بعد از انقلاب که هنوز نظام اسلامی به خوبی مستقر نشده بود و گروه‌هایی مثل کومله و موکرات علم خودمختاری برداشتند، سپاه زرگاری هم تحت تأثیر این جو، تفکرات جدایی طلبانه در پیش گرفت. گروه‌های چپ اختلاف نظر ایدئولوژیک با زرگاری داشتند، اما چون زرگاری بین روستایی‌ها نفوذ داشت، آنها به این گروه نیاز داشتند تا از نفوذشان در مردم استفاده کنند. بر همین اساس همکاری‌هایی بین زرگاری و گروهک‌های دیگر به وجود آمد.

یکسری گروه‌هایی هم وجود داشتند که خارج از جغرافیای کردستان تشکیل شدند، اما بعد از انقلاب و به وجود آمدن اغتشاشات در کردستان به آنجا رفتند. سازمان پیکار از جمله این گروه‌ها بود، این گروه چطور توانست برای خودش پایگاه‌هایی پیدا کند؟

سازمان پیکار برای اادی طایفه کارگر یک گروه مارکسیستی، لنینستی بود که سه سال پیش از انقلاب تشکیل شد و این نام را برای خود انتخاب کرد. در واقع این گروه از سازمان مجاهدین منشعب شده بود. سال ۱۳۵۴ که یک عده از مجاهدین مثل تقی شهرام تصمیم گرفتند تفکرات التقاطی را کنار بگذارند و رسماً مارکسیست شوند، یک درگیری بین جناح مسلمان و مارکسیست‌های این سازمان پیش آمد. سال ۵۵ گروه پیکار از جناح مارکسیست‌ها تشکیل شد. بعد از پیروزی انقلاب و همانطور که شما هم اشاره کردید، آنها از جمله گروه‌هایی بودند که از اوضاع کردستان سوءاستفاده و مخفیانه در آنجا فعالیت کردند. این گروه با تفکرات افراطی بسیار نزدیک به کومله است. سازمان پیکار و کومله در مثنی و سیاست مبارزه مسلحانه مشترک هستند. این دو با سپاه زرگاری رابطه مناسبی نداشتند و سازمان پیکار ابتدا به طور مخفی در کردستان ظاهر شد و به تدریج فعالیت علنی خود را در مقابل جمهوری اسلامی در همین منطقه آغاز کرد. با فعالیت گروه پیکار در

کردستان، به تدریج یک عده از روشنفکران کومله سازمان خودشان را ترک کردند و به پیکار پیوستند. البته سال ۶۰ که سازمان پیکار ضربه سختی از نظام اسلامی خورد، بعد از آن تعدادی از اعضایش به کومله پیوستند و به همین ترتیب پیوندهایی بین شان ایجاد شد.

هدف ما در این گفت‌وگو معرفی گروهک‌های ضدانقلابی است که در کردستان حضور داشتند و اقدامات جدایی طلبانه انجام می دادند. سازمان چریک‌های فدایی خلق هم نام مشهوری در دفاع مقدس است، آنها چطور با تجزیه طلب‌ها همراه شدند؟

«سجفخا» با سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، یک سازمان کمونیستی سراسری بود که در سال ۱۳۴۴ از سوی مسعود احمدزاده و بین حزبی پایه گذاری شد. خط مشی و استراتژی اولیه سازمان جنگ مسلحانه در جنگل‌ها و روستاها بود که به شکست انجامید و خوش را به جنگ چریکی در شهر داد. چنانچه در واقعه آمل دیدیم، آنها سعی کردند این شهر را تصرف کنند که مردم و رزمندگان مقابل شان ایستادند و شکست شان دادند. چریک‌های این سازمان را عمدتاً دانشجویان، کارمندان و روشنفکرانی تشکیل می دادند که گرایش‌های ملی هم داشتند. آنها هم بعد از پیروزی انقلاب چون اوضاع کردستان را متشنج دیدند، به آنجا رفتند تا از بستر فراهم شده مقدمات تأسیس حکومت داخله‌هاشان را فراهم کنند و از کردستان به سراسر ایران مسلط شوند. از آن زمان به بعد اغلب نیروها و امکانات این سازمان به کردستان منتقل شد، چون در کردستان گروه‌های تجزیه طلب بسیار فعال بودند، سجفخا هم با آنها همراهی کرد و اگر چه شعار فدایی برای ایران را می دادند، اما در اندیشه‌های تجزیه طلبانه این گروه‌ها همراه‌ها شدند. در دوران دفاع مقدس اغلب این گروه‌ها با رزمنده‌ها و نیروهای انقلابی بومی کردستان درگیر بودند. بعضی از آنها با پایان جنگ و برقراری آرامش در کردستان از بین رفتند، اما احزابی مثل کومله و موکرات که هم تأسیس شان و هم عده اعضای شان در میان قشر فریب خورده کرد بود، توانستند با پایگاه‌هایی که در عراق داشتند به حیات‌شان ادامه بدهند که اکنون هم از حوادثی مثل اغتشاشات اخیر برای سوءاستفاده و پیشبرد اهداف شان استفاده می کنند.



بررسی ابعاد توحش از تش بعث در کتاب «جنایت‌های مادر خرمشهر»

بعثی‌ها برای اشغال خرمشهر از دریای خون گذشتند

آرمان شریف

اشغال خرمشهر از سوی دشمن یعنی به سادگی صورت نپذیرفت. ار تش بعث با شروع جنگ تحمیلی با مقاومت شدید مردم مواجه و همین مقاومت موجب شد تا آنها ۴۳ روز پشت دروازه‌های خرمشهر بمانند. مقاومت مردم و پیهم ریختن برنامه‌های صدام مبنی بر اشغال سه روزه خوزستان عاملی شد تا نیروهای دشمن دست به جنایت بزنند. کتاب «جنایت‌های مادر خرمشهر»، حاوی ۵۱ خاطره از افسران عراقی است که خشونت و جنایت‌های این نیروها را برای اشغال خرمشهر بیان می کند.

گذشتن از دریای خون

تامر احمد الفلوجی در عملیات اشغال خرمشهر، فرمانده گروهان سوم تانک لشکر سوم - یکی از لشکرهای طلایی ارتش عراق - بود و جریان اولین روز حمله به ایران را چنین تعریف می کند: «تانک‌های ما کم از مرزهای بین المللی گذشتند، روستاهای بی پناه اهداف راهبردی تانک‌ها و توپخانه‌های ما شده بود. همه مردم در حالی که ترس و وحشت تمام وجودشان را گرفته بود، فرار می کردند و فریاد می زدند عراقی‌ها... عراقی‌ها، فرمانده لشکر دستور داد افراد غیر نظامی را تا تانک هدف قرار دهند.» الفلوجی در ادامه ابعاد وحشتناک دیگری از جنایت‌های ارتش بعث را بازگویی کند: «به خاطر دارم که ستونباز «ترکی احمد» همراه با پنج سرباز در مقابل خانهای ایستاد و با لگد به در خانه زد و ساژور وارد خانه شد و فریاد زد دست‌ها بالا زن جوانی گفت برای چه، چه می خواهید؟ ستونباز گفت طلا می خواهید... آن زن از دادن طلاهایش خودداری کرد، اما یکی از سربازان با قنداق تفنگ ضربه‌ای به سر آن زد و او را نقش بر زمین کرد. آنگاه همه افراد خانواده به پناهه اینکه با ارتش به مقابله برخاسته‌اند، دستگیر شدند. بالاخره پس از مدتی شروع به تحکیم مواضع مان در خرمشهر کردیم، ما برای ورود به خرمشهر و مقاومت مواجه شدیم تا جایی که فقط با گذشتن از دریای خون توانستیم وارد این شهر شویم.»

نگدی بر شکم کودک

خاطرات دیگر از سرهنگ دوم ستاد سلام دوری الدیمی که در حمله به خرمشهر از افراد تیپ دهم زرهی بود، بسیار تلخ و دلخراش است: «کودکی در بی خانواده گمشده‌اش می گشت، گلوله‌ای از سلاح سروان عبدالباقی السعدون به سونش شلیک شد. فرمانده سروان عبدالباقی،

جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۵۹۷

		۲	۸			
۶		۴	۷			
		۸		۹	۲	
		۹	۶			۵
				۷	۸	۳
			۱	۳		
	۱	۵				
			۸		۲	۳
					۲	۷

ب	۸	ا	د	و	ل	ش	س	۷
و	ا	ش	س	۷	ب	د	ا	۸
س	د	۷	ب	۸	ش	ا	و	ل
ا	ب	س	ش	ل	و	۸	۷	د
ش	۷	۸	س	د	ب	و	ل	ا
ا	و	ل	ش	س	۷	ب	د	ا
د	ا	ب	ل	ش	۷	۸	د	ا
۷	ش	ا	و	ل	ب	۸	د	ا
۸	س	و	ل	۷	ا	د	ا	ب

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل
ت	ل	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و
ت	ل	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل
د	و	ز	ن	ا	م	و	ر	د	س	ت	ا	ب	و	ل

از بالا به پایین

- فرمانده شهید نیروی هوایی ارتش - ماه پاییزی - امیدبستن به خدا ■ ۲- بله نجار - پرچم اسطوره‌ای و تاریخی ایران تا پایان سلسله ساسانی ■ ۳- کبکی خشک - همسر فرعون دوره حضرت موسی - کمان تیراندازی ■ ۴- ششیره چغندر - همراه سسار - نمایش عمومی فیلم ■ ۵- پیمانته - پیشوا ■ ۶- رمق آخر - روزنامه چاپ کویت - کمترین مقدار ■ ۷- پدر حضرت ابراهیم - ورم - کله‌پز ■ ۸- گروه ورزشی - لباس متحدالشکل - جوانمرد ■ ۹- انگشت کوچک دست و پا - بهت - سمت چپ ■ ۱۰- هیچ فقری بالاتر از آن نیست - آنچه از بین رفته - کجاست؟ ■ ۱۱- هر بند از قانون - مسافر شش کشور اروپایی است ■ ۱۲- جزیره‌ای در جنوب - رگ پشت - اسباب ورزش و بازی ■ ۱۳- نماینده متوفی - استاندار - ممیزی و نفتیش ■ ۱۴- دیکتاتور سابق شوروی - موی گردن اسب ■ ۱۵- پهلوانان - اثری از گوته، شاعر بنام آلمانی - همسر دردمونا